

## روانشناسی اجتماعی

### ۱- مشکل رانندگی

اگر بگوئیم شهری به بزرگی شهر تهران در جهان نیست که وضع رفت و آمد مردم آن مانند تهران مغشوش باشد شاید مبالغه نکرده باشیم. این اغتشاش هم در نقشه کشی شهر تهران مشهود است، هم در کمبود وسائل حمل و نقل عمومی و هم در روش رانندگی و وسائل حمل و نقل از عمومی و خصوصی. اگر خود ما با این اغتشاش، بر اثر عادت خو گرفته باشیم و قبح آن در نظرمان کم شده باشد، مسلماً سیاحی که به ایران می آید اول چیزی که جلب نظرش را میکند همین اغتشاش است. این اغتشاش برجسته تر میشود وقتی مسافر خارجی پیشرفتهای ما را در بعضی قسمتهای زندگی اجتماعی و اقتصادی می بیند. موضوع بحث ما امروز بحث در علل روانشناسی اغتشاش وضع رانندگی است لیکن ناچار بعوامل مختلف دیگر که در این وضع مؤثر است اشاره خواهیم کرد.

رانندگی نوعی رفتار اجتماعیست و بنا بر این مانند هر رفتار اجتماعی دیگر موضوع تحقیق علمی است که آنرا روانشناسی اجتماعی می خوانیم. رفتار اجتماعی وقتی منحرف شود و از هنجار موجود دور شود، رفتار بیمارانه میشود و موضوع مطالعه علم دیگری میگردد که آنرا روانشناسی مرضی میخوانیم. روانشناسی تکوینی یا روانشناسی تحولی از چگونگی پدید آمدن رفتار اجتماعی بحث می کند پس رانندگی از چند نظر موضوع مطالعه رشته های مختلف علم روانشناسی قرار میگیرد.

نیز رفتار آدمی تحت تأثیر تأسیسات اجتماعیست. اخلاق و قانون و تربیت

از این تأسیسات اجتماعی هستند و ناچار باید به سهمی که این عوامل در تکوین این نوع رفتار دارند اشاره کنیم .

نکته مهمی که هم در آغاز بحث باید بدان توجه کنیم اینست که رفتار خاصی که مورد توجه ماست، یعنی رانندگی، و رفتار دیگری که در آن مؤثر است یعنی رفتار مردم در برخورد با وسایل موتوری رانندگی، رفتار جدیدی است که در فرهنگ ما سابقه تاریخی نداشته است. با آمدن اتومبیل به ایران بوجود آمده است ولی به وجود آمدن آن طبق طرح و نقشه معقولی نبوده است . اتومبیل را کسانی که در درجه اول بازرگان و صرفاً جویای نفع مادی بوده اند در ایران اشاعه داده اند. لیکن نه آنها و نه کس دیگری متوجه نبوده است برای اینکه اتومبیل مشکلات اجتماعی ایجاد نکند، باید رفتار مردمی که از آن استفاده میکنند یا با آن مواجه میشوند، به نحو معینی اداره شود . دستگاہ رسمی تربیتی به این نوع تربیت اخلاقی و اجتماعی- و در واقع به هیچ نوع تربیت اخلاقی و اجتماعی - هیچگاه توجه نداشته است و تربیت در نظر دستگاہ رسمی تربیت ملی ما مترادف با انباشتن ذهن از محفوظات بوده است .

در کشورهای دیگر چون این وسائل تدریجاً به وجود آمده و اشاعه یافته اند نوعی سنت اخلاقی برای استفاده یا مواجه شدن با آن وسائل به وجود آمده است و تعلیمات مربوط به این نوع رفتار جزء تعلیمات اجتماعی و اخلاقی اجتماع شده است . یکی دیگر از اختراعاتی که از این لحاظ به اتومبیل شبیه است تلفن است. ما ناگهان تلفن خودکار را در ایران رایج کردیم ولی هیچکس به مردم مقررات اخلاقی مربوط به استفاده از تلفن را نیاموخته است . وقتی گوشی تلفن را برمی- داریم به جای اینکه فوراً شماره خود و اسم خود را بگوئیم اغلب بین دو طرف مباحثه در میگیرند که تو کیستی و دیگری میگوید اول بگو تو کیستی ! مثل اینکه معرفی خود کسرشانی است . به کار بردن تلفن به صورت بازیچه ، چه برای ایجاد مزاحمت برای دیگران و یا برای مکالمات طولانی غیر لازم ، امریست که همه با آن آشنائیم .

اغلب مشاهده میکنیم که رانندگان بسیاری نیز از اتومبیل بصورت بازیچه، و گاه بصورت توپ فوتبال - استفاده میکنند بی آنکه متوجه تأثیر این بازیچه خطرناک در جان و مال دیگران باشند.

## ۲- رفتار اجتماعی چگونه به وجود می‌آید

رفتار اجتماعی مثل هر رفتار دیگری بر اثر تربیت به وجود می‌آید. تربیت یعنی تغییر دادن رفتار آدمی به صورتیکه مطلوب تربیت‌کننده است. امروز برای روانشناسان مسلم است که اگر کودک آدمی به حال خود رها شود و تربیت در او تأثیر نکند، هیچ متمدن‌تر از بیچه‌گرگ یا روباه نخواهد شد. پس آنچه از حیوانی که کودک آدمی است، فردی با صفات آدمی پدید می‌آورد، تربیت است. تربیت چیزی جز آموختن نیست و علم روانشناسی امروز در روشن کردن مکانیزم آموختن به پیشرفت‌های بزرگ نائل آمده است. میدانیم آموختن زیر تأثیر پاداش و کیفر صورت می‌پذیرد.

چون در جای دیگر به تفصیل از آموختن و خدمتی که دانشمند معروف روسی **پاولف** به روشن شدن این مسئله کرده است بحث کرده‌ام و به چاپ رسیده است، در اینجا از دراز کردن سخن خود داری میکنم. همین قدر مختصر یادآور میشوم که وجدان اخلاقی که در سنین ابتدائی کودک به وجود می‌آید، نیز چیزی جز آموختن نیست. کودک کن و ممکن، شایست و ناشایستی را که پدر و مادر با او آموخته‌اند جزء وجود خود میکند به صورتیکه پاداش و کیفر برونی وارد درون او میشود. پس وجدان اخلاقی شخص فقط ممکنست شامل چیزهائی باشد که پدر و مادر و مریبان دیگر وقتی او کودک بوده است با او تلقین کرده‌اند. اگر چنین تلقین و تزریق در آغاز کودکی صورت نگرفته باشد، وجدان اخلاقی ممکنست غیر موجود یا ناقص باشد. قبل از آشنائی ما با تمدن علمی و صنعتی جدید مغرب زمین تربیت اخلاقی و اجتماعی ما بازندگی ساده و روستائی آن زمان متناسب بود. پدر و مادر اصول دینی و اخلاقی را به کودکان می‌آموختند؛ مساجد و تکایا عامل مهم تربیتی و اخلاقی بودند. در دوران تحول و صنعتی شدن و کسب تمدن مغرب زمین لازم بود اخلاق و

دستور تازه‌ای برای زندگی اجتماعی بوجود آید و تعلیم داده شود. نه تنها چنین دستگاه اخلاقی جدیدی بوجود نیامد بلکه بتدریج عوامل تربیتی سابق نیز از تأثیرشان کاسته شد.

تأسیسات تربیتی جدید نیز توجهی چنانکه باید به تربیت اخلاقی و اجتماعی نکردند. غرض من اینست که اگر مثلاً سابقاً آداب نشستن سر سفره را به کودک می‌آموختند باید شدن میز و صندلی و کاربرد و چنگال میبایست آداب جدید بکار بردن میز و صندلی و کاربرد و چنگال نیز بوجود آید و آموخته شود. ولی میز و صندلی و کاربرد و چنگال و تلفن و اتومبیل وارد شدند لیکن آداب استعمال آنها وارد نشد. شاید یکی از علل این امر اینست که پیشوایان دینی و اخلاقی ما نخواستند یا آماده نبودند این واقعیت را بپذیرند که زندگی نو با آداب نواحتیاج دارد و آداب زندگی منسوخ را نمیتوان بر زندگی تازه تحمیل کرد.

این امر مایه بسی تأسف است زیرا هیچ دین و فرهنگی نیست که مانند دین اسلام جنبه سیاسی و اجتماعی قوی داشته باشد. هیچ دین دیگری نیست که بتواند مانند دین اسلام با تغییرات زندگی اجتماعی و پیشرفت علم سازگار گردد. اگر میان آنچه مفسران قشری و کوتاه نظر اسلام تعلیم میدهند و علم جدید مغایرتی بنظر برسد، تقصیر از این مفسران و معبران است. از اصول اساسی حقوق اسلامی یکی آنست که ما حکم به العقل حکم به الشرع یعنی آنچه عقل می‌پذیرد شرع نیز می‌پذیرد. فقه اسلامی شیعه بر این دواصل استوار است که:

**الناس مسلطون علی انفسهم و اموالهم - لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام .**

اساس دواصل اینست که فرد تا آنجا که به حقوق دیگران لطمه نزند آزاد است، ولی حق اجتماع آزادی فرد را محدود میکند. اساس تعلیمات اسلامی و اساس و چکیده همه دستگاههای اخلاقی جهان اینست که مردم بدون ایجاد مزاحمت برای یکدیگر باهم در صلح و صفا زیست کنند و آزادی فرد به آزادی فرد دیگر محدود شود. احترام گذاشتن به شخصیت دیگری اساس تعلیمات اخلاقی است. اگر این تعلیمات بصورت صحیح در خانواده و مدرسه به کودک داده شود،

بآسانی میتوان از آنها استنتاج کرد که رادیوهای ترازیستوری را فقط آزادیم با اندازه‌ای بلند کنیم که فقط خود بشنویم و حق نداریم مزاحم دیگری شویم یا اتومبیل را باید طوری برانیم و جایی بگذاریم که مزاحم دیگری نشود. دیگری نیز مثل ما حق حیات دارد و خیابان تنها برای ماساخته نشده است. اعتقاد راسخ من اینست که بدی وضع رانندگی در ایران ناشی از اینست که ، **دستگاه تربیتی ما در افراد احترام به حقوق دیگری را به وجود نیاورده است.** این امر هم در اغتشاش رانندگی مشهود است هم در فساد اجتماعی و هم در روش استفاده ما از رادیو .

برای روشن شدن اینکه تربیت اخلاقی و اجتماعی تا چه حد در تعلیمات بزرگان ما اهمیت داشته است مفید است که چند سطر از کتاب **کیمیای سعادت ابو حامد محمد غزالی طوسی** را نقل کنم. **غزالی** هزار سال پیش از این می‌زیست و کتاب **کیمیای سعادت** او، که شاید بهترین اثر نثر فارسی باشد، ترجمه‌ایست که خود او از شاهکار معروفش **احیاء العلوم الدین** کرده است .

**غزالی** در فصلی که از **منکرات شاه راهها** بحث میکند می‌فرماید :

منکرات شاهراه‌ها آن است که ستون در شاهراه بنهند و دکان کنند چنانکه راه تنگ شود و درخت کارند و قابول بیرون آورند [یعنی بنا را جلو بسازند] چنانکه اگر کسی بر ستور بود در آنجا کوبد ، و خروارها بار بنهند و ستور ببندند و راه تنگ گردانند و این نشاید الا به قدر حاجت چندانکه فروگیرند و با خانه نقل کنند . و بار بر ستور نهادن زیادت از آنکه طاقت دارد نشاید ، و کشتن گوسفند قصابی را بر راه چنانکه مردمان را خطر بود نشاید بلکه باید در دکانی جای آن بسازد و همچنین پوست خربزه و برف در راه افکندن یا آب‌زدن چنانکه در وی خطر باشد که پای مردم ببلزد و همچنین هر که بر راه افکند یا آبی که از بام او آید راه را بگیرد ، بر وی واجب بود که راه را پاک کند . اما آنچه عام بود بر همه بود و والی را بود [یعنی دولت‌را] که مردمان را بر آن حمل کند [یعنی بر مردمان تحمیل کند] . (۱)

دیده می‌شود که اگر **حجة الاسلام غزالی** امروز زنده بود به ما می‌گفت

۱ - کیمیای سعادت تصحیح احمد آرام - چاپ کتابخانه مرکزی ۱۳۱۹ صفحه ۴۰۷-۸ - عباراتی که در پراثر است برای توضیح معنی توسط اینجناب افزوده شده است .

که بکار بردن اتومبیل و کامیون و رادیونیز وقتی مزاحم مردمان شود اخلاقاً منکر و شرعاً حرام است .

### ۳- تأثیر قانون در ایجاد رفتار اجتماعی

الزام و اجباری که در دستور اخلاقی نهفته است همیشه برای ایجاد نظم اجتماعی کافی نیست . اینست که برای ایجاد رفتار اجتماعی جدیدی یا جلوگیری از رفتار خاصی لازم است قانون بوجود آید و لازمه قانون الزام و اجبار است و کیفر قانونی نتیجه عدم رعایت قانون است . بدلیل اینکه دستور اخلاقی همیشه لازم الاجرا نیست، متمدن ترین اجتماعات از قانون بی نیاز نتوانند بود. قانون برای اینکه قدرت الزام کننده خود را حفظ کند بایستی سریعاً و دقیقاً اجرا شود و برای همه مردمان یکسان باشد. اگر چنین نباشد احترام به قانون در دل مردمان سست میگردد. برای ما آسان بوده است که قوانین را ندانندگی دیگران را اقتباس کنیم، آنچه برای ما آسان نبوده است آنست که این قوانین را سریعاً و دقیقاً اجرا کنیم و برای همه یکسان اجرا کنیم. مثلاً در امر گذاشتن اتومبیل در جای غیر مجاز قانون نسبتاً زود اجرا میشود . لیکن در امر تغییر مسیر، ایستادن ناگهانی، عبور از کوچه های یکطرفه، حرکت کردن بدون علامت دادن پس از توقف، تجاوز از خط وسط خیابان، و موارد دیگری از این قبیل قانون بسرعت اجرا نمیشود بعلمت این که مجری قانون حضور مادی ندارد . غرض من اینست که باید مجریان قانون بیش از آنچه فعلاً وجود دارند در آمد و رفت باشند و تخلفات را ندانندگی را کشف کنند . قانونی که فقط در کتاب موجود باشد نیروی الزام آور خود را از دست می دهد . وقتی قانون در مورد شخص یا گروهی اجرا نشود، به شمول آن لطمه می خورد و در دل مردمان خوار می گردد . غرض من اینست که هیچ فرد یا گروهی بعلمت مقام اجتماعی نباید از شمول قانون معاف باشد . پلیس هر شهری باید بر همه افراد آن شهر حاکم باشد . اگر سرباز نظام وظیفه ای توانست کامیون ارتشی را با سرعتی که میخواهد و به نحوی که میخواهد براند و افسر پلیس صلاحیت نداشت از او بازخواست کند، همین سرباز وقتی پس از خاتمه خدمت راننده تاکسی شود

دلیلی نمی‌بیند - آنجا که افسر پلیس حضور ندارد - مقررات را رعایت کند . چند سال پیش در انگلستان واقعه‌ای افتاد که نقل آن بی‌مناسبت نیست بخصوص چون دموکراسی انگلستان را مادر حکومت‌های دموکراسی گفته‌اند :

نماینده مجلسی که ساعت ۳ بعد از ظهر می‌بایست نطقی در مجلس عوام ایراد کند به سرعت می‌رفت و از چراغ قرمز گذشت . پلیس گشتی ، با آنکه نماینده خود را معرفی کرد فوراً او را توقیف کرد و به دادگاه فرستاد . اعتراض نماینده مجلس که موقع نطق او می‌گذرد بی‌ثمر ماند و دادگاه او را به علت اینکه عضو قوه مقننه بود به حداکثر مجازات محکوم کرد . وقتی نماینده مزبور در مجلس به عمل پلیس اعتراض کرد رئیس مجلس توضیح داد که نماینده مجلس فقط برای صحبتی که در مجلس بکند مصونیت دارد و او را تعقیب نمی‌توان کرد . در خارج مجلس مثل افراد عادی مشمول حکومت پلیس و دستگاه قضائی است و هیچ نوع مصونیتی ندارد .

#### ۴- تأثیر تأسیسات اجتماعی دیگر در رانندگی

رفتاری که موضوع بحث ماست یعنی رانندگی از تأسیسات اجتماعی متأثر میشود . تأثیر بعضی از تأسیسات را که در آشفته‌گی وضع رانندگی تهران مؤثر است به اختصار یادآور میشویم .

#### الف - کمبود و بدی وسائل عمومی آمد و رفت و تأثیر آن :

شهر بزرگی مانند تهران به وسائل عمومی آمد و رفت نیازمند است که از لحاظ کمیت بیش از آنچه هست باشد و از لحاظ کیفیت بهتر از آنچه هست . مابه غلط در سالهای اخیر از مسئله تاکسی مفصل بحث کرده‌ایم و حال آنکه تاکسی وسیله استثنائی آمد و رفت است . در شهر تهران تاکسی کم نیست و از همه کشورهای جهان هم ارزانتر است؛ آنچه در حکم نبوده است اتوبوس است . وضع اتوبوس باندازه‌ای بد است که اشخاص ناچارند یا به تاکسی متوسل شوند یا با آنکه قدرت مالی ندارند اتومبیل شخصی تهیه کنند . اتومبیل شخصی برای آمد و رفت در شهر وسیله گران و تلف‌کننده ثروت است ، هم خیابانها را بیش از حد اشغال میکنند و هم برای فرد و اجتماع بسیار گران تمام میشود .

بلیط اتوبوس در شهر تهران چنان ارزان است که در هیچ شهر عالم نیست . نتیجه این ارزانی بلیط این است که شرکت واحد نمی‌تواند به اتوبوسها اضافه کند .

و دیگر اینکه نمی‌تواند اتوبوسها را درست سرویس کند. سوم اینکه بیکاران شهرستانها به تهران می‌آیند تا در چند کیلومتری شهر تهران زندگی کنند و هر روز با دوریال بشهر بیایند و با تکدی یا با «ماشین پائی» کسب نانی کنند. در نتیجه این امر شهرستانها خلوت میشود و به جمعیت تهران اضافه میگردد؛ از مولد ثروت کاسته میشود و بمصرف کنندگان غیر مولد افزوده میگردد. بعبارت دیگر مسئله اتوبوس نیز مسئله‌ایست که چون مصنوعاً بوجود آورده‌ایم در حیل آن مانده‌ایم. اگر سرویس اتوبوس خوب و زیاد شود، لزومی ندارد که مردم از خرج تربیت کودک و مخارج ضروری دیگری بکاهند و با خرید اتومبیل هم شهر را شلوغ کنند و هم خود را فقیر کنند و هم ارز مملکت را بخارج بفرستند.

خیابانهای شهر تهران گنجایش اینهمه وسیله خصوصی آمد و رفت را ندارد. چاره یا آن است که همه خیابانهای تهران را عریض کنیم که مقدور نیست، و یا اینکه وسائل نقلیه عمومی را بهتر کنیم این امر بنظر من عملی هست.

### ب - تاثیر شهرسازی در راندگی؟

در ایجاد خیابانهای شهر، شهرداری تهران باید با نظر مسئولان راهنمایی راندگی اقدام کنند دلیل اینکه چنین مشورتی قبلاً صورت نگرفته است وضع خیابانهای تهران و فی‌المثل خیابان زنداست. در خیابان دو طرفه‌ای که بصورت بولوار ساخته شده است و ظاهراً باید وسائل آمد و رفت بدون توقف آنرا ببیماید، در چندین نقطه بولوار قطع میشود و وسائل نقلیه می‌تواند عمودی وارد آن شوند. اداره راهنمایی اخیراً اقدام کرده است و این راهها را مقابل خیابان خردمند و مقابل خیابان شیراز با موانع آهن قطع کرده است. اما هنوز نزدیک خیابان روزولت دیده میشود که وسائل نقلیه‌ای که در جهت روزولت می‌رانند میتوانند ناگهان بچپ بپیچند و ایجاد خطر برای وسائلی کنند که از خیابان روزولت می‌آیند. اگر در بازی شطرنج از بازی کن توقع داریم قبلاً حرکات خود و عواقب آنرا بسنجد و آنگاه مهرهای خود را حرکت دهد، در امری مثل شهرسازی مسلماً میتوان توقع داشت که اول ببیندیشند، بعد نقشه خیابان بکشند. اندکی تفکر و تعقل قبل از ایجاد خیابان ممکن است از اتلاف ملیونها تومان بودجه عمومی جلوگیری کند.



نمی‌توان اجازه داد که شهرداری خیابانی بسازد و بعد متوجه شود که غلط است و از نو آنرا اصلاح کند و این امر پیوسته تکرار شود.

### ج - مسئله عبور پیاده.

عبور پیاده‌رو از خیابانهای تهران از مسائل مشکل‌دیگر است که خطرات جانی در بردارد. خط کشی برای عبور پیاده‌رو با اندازه کافی موجود نیست و وقتی هم هست از جانب رانندگان با شوخی تلقی می‌شود. حق تقدم عبور پیاده بندرت رعایت می‌شود. اشکال دیگری که هست نوع چراغهای راهنماست که جز در چند محل به سبک چراغهای راهنمایی سی‌چهل سال پیش اروپاست. منظور من اینست که وقتی چراغ قرمز می‌شود اتومبیل‌های روبرو حق دارند به دست چپ بیچند و وقتی سبز است طبیعتاً پیاده حق عبور ندارد. لازم است در همه موارد چراغ مخصوص پیاده‌رو کار گذاشته شود و گردش به راست و وقتی چراغ قرمز است ممنوع شود تا پیاده با اطمینان خاطر بتواند از خیابان عبور کند.

نکته دیگر در این موضوع این است که روزی ناچار خواهیم شد برای پیاده‌روهائی که از جای غیر مجاز عبور میکنند جریمه‌ای قائل شویم، البته لازمست مردم را از عواقب عبور غیر مجاز قبلاً آگاه کنیم ولی اگر به نظم آمد و رفت در شهری مثل شهر تهران علاقمند باشیم طبیعتاً اجازه نمی‌توانیم داد افراد نیز با خیابان و وسائل رانندگی شوخی کنند.

مختصر آنکه برای بهبودی وضع رانندگی در شهر تهران باید خانواده و مدرسه با هم همکاری کنند و به کودکان بیاموزند که در خیابان چگونه راه بروند و وقتی بزرگ میشوند از وسائل نقلیه چگونه استفاده کنند. دولت باید در امر شهر سازی راه معقول‌تری در پیش گیرد و وسائل نقلیه عمومی را تقویت کند تا از حرام اتومبیل‌های خصوصی کاسته شود. قانون باید بدون رحم و سریع و دقیق اجراء شود تا افراد آگاه شوند که نمیتوانند سر خودانه و به میل خود بد حقوق دیگران تجاوز کنند. رفتار اجتماعی آدمی معلول عوامل اجتماعی است. تربیت و قانون مهم‌ترین این عوامل است. با توجه به علل میتوانیم در معلول تأثیر کنیم.